مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.

همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمداً اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.

مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

بازیگران اصلی کشمکش یمن چه کسانی‌اند؟

Foreign Policy

اسکات مونیه: یمن تا زمانی که رویدادهای اخیر این کشور، آن را در کانون توجه رسانه‌ای قرار داد، چندان مورد توجه آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر جهان نبود. یمن موقعیتی راهبردی در تنگه «باب‌المندب» دارد که دسترسی به انتهای جنوبی دریای سرخ (و در نهایت کانال سوئز) را فراهم می‌کند اما این کشور به‌رغم این موقعیت راهبردی باز هم مورد غفلت بود. این کشور تا چندی پیش به دو کشور یمن جنوبی و یمن شمالی تقسیم شده بود و بارها صحنه جنگ و کشمکش بوده است. جنگ کنونی در یمن هرچند فاجعه‌بار است اما واقعا جدید نیست. کشمکش امروزی مجموعه پیچیده‌ای از بازیگران جدید را به صحنه کشانده است. این جنگ اغلب نوعی جنگ نیابتی میان عربستان‌سعودی و ایران و بخشی از کشمکش بزرگ‌تر میان مسلمانان سنی و مسلمانان شیعه تلقی می‌شود اما این تحریف واقعیت است. عربستان‌سعودی و ایران در این کشمکش نقش‌های کلیدی دارند و اقدامات آنها بر محاسبات بازیگران داخلی یمن تاثیرگذار است اما هیچ کس در یمن از طرف این دو کشور نمی‌جنگد و جنگ یمن جنگ مذهبی نیست. حال این سوال به میان می‌آید که بازیگران اصلی نمایش امروز یمن چه کسانی هستند؟

■ **حوثی‌ها**

حوثی‌ها مانند قبایل استان شمالی صعده یک گروه چندان سازمان‌یافته نیستند. آنها که شیوه عملشان سنتی است و درباره استقلال خود بسیار محتاط هستند، ستون فقرات قیام دهه ۱۹۶۰ علیه رژیم نظامی وقت بودند و در ۱۵ سال گذشته ۶ بار علیه دولت یمن جنگیده‌اند. حوثی‌ها که شیعیان پنج‌امامی هستند هرچند برخی شعارهای (ستیزه‌جویانه) الهام گرفته از ایران را تکرار می‌کنند اما برای مسائل خودشان، یعنی علیه فساد و چیزی که از دید آنها یک دولت مرکزی ازخودراضی و سرکوبگر محسوب می‌شود می‌جنگند. به نظر نمی‌رسد آنها از تهران دستور بگیرند و برای این حمایت ایران را می‌پذیرند که غیر از ایران هیچ کشور دیگری به آنها کمک نمی‌کند. در حقیقت حوثی‌ها سپتامبر گذشته صنعا پایتخت یمن را به‌رغم تلاش‌های ایران برای منصرف کردن آنها، تصرف کردند. حمایت ایران در یمن راهی برای آزردن و مشغول کردن عربستان‌سعودی است. اما در دهه ۱۹۶۰ هنگامی که ناصریست‌های سکولار و ناسیونال-سوسیالیست‌های عرب تهدید اصلی محسوب می‌شدند، عملا این عربستان‌سعودی بود که حوثی‌ها را مسلح و از آنها پشتیبانی می‌کرد. حوثی‌ها بارها آمادگی خود را برای همکاری با جناح‌های رقیب اعلام کرده‌اند. آنها وقتی سپتامبر ۲۰۱۴ پایتخت را تصرف کردند بلافاصله دولت را عزل نکردند بلکه صرفا خود را سرگرم بحث تدوین یک قانون اساسی جدید کردند که اکنون از آن حذف شده‌اند.

■ **علی عبدالله صالح**

«علی عبدالله صالح» سال ۱۹۷۸ رئیس‌جمهور یمن شمالی شد و تا سال ۲۰۱۲ تنها رئیس‌جمهور یمن یکپارچه بود. او نیز مانند حوثی‌ها شیعه زیدی است اما از نوع غربی‌تر. او ذاتا یک ناسیونالیست سکولار است. حوثی‌ها بارها علیه حکومت او قیام کرده‌اند. او هرچند یک مقام فاسد و مدیر ضعیف تلقی می‌شد اما با مهارت توانسته است جناح‌های مختلف کشور را به جان یکدیگر بیندازد.

■ **عربستان‌سعودی**

سعودی‌ها با بمباران‌های خود از نیروهای «عبدربه منصور هادی» رئیس جمهور [مستعفی و فراری] حمایت می‌کنند اما در میان هیچ‌یک از دو طرف جنگ یمن محبوبیت ندارند. آنها پیشروی‌های حوثی‌ها را مانور ایران برای محاصره سرزمین اصلی عرب‌ها ترسیم کرده‌اند. آنها همچنین از این نگرانند که پیروزی حوثی‌ها الهام‌بخش اقلیت شیعه عربستان بشود. سعودی‌ها ظاهرا به این دلایل در یمن مداخله نظامی کردند. «سلمان بن‌عبدالعزیز» پادشاه جدید عربستان، ژانویه امسال در پی مرگ برادرش به سلطنت رسید. او پسرش محمد بن‌سلمان را به سمت وزیر دفاع و جانشین ولیعهد منصوب کرد. محمد بن‌سلمان که ۲۹ ساله است و نه تجربه نظامی دارد و نه تحصیلات نظامی، به چهره عمومی جنگ یمن در داخل عربستان تبدیل شده است. آمریکا از سعودی‌ها خواسته است جنگ هوایی خود را متوقف کنند. واشنگتن از این نگران است که این حملات به یک کشمکش بزرگ‌تر منطقه‌ای بینجامد اما آمریکا در عین حال با پشتیبانی لجستیکی، مادی و اطلاعاتی خود، از حملات عربستان به یمن حمایت کرده است. این حمایت احتمالا به سبب این است که آمریکا احساس می‌کند به تقویت روابط خود با عربستان نیاز دارد زیرا عربستان گمان می‌کند مذاکرات آمریکا با ایران بر سر برنامه هسته‌ای تهران ممکن است به متمایل شدن آمریکا به سوی ایران و تغییر سیاست واشنگتن در خاورمیانه بینجامد.

■ **القاعده در شبه‌جزیره عربستان**

القاعده در شبه‌جزیره عربستان خطرناک‌ترین عضو شبکه گروه‌های محلی وابسته به القاعده در یمن است. این گروه عمدتا در مناطق جنوب شرقی یمن فعال است و سال ۲۰۰۹ با ادغام گروه‌های یمنی و سعودی القاعده تشکیل شد.

گروه فوق، بازیگر اصلی در جنگ میان حوثی‌ها و نیروهای هادی نبوده اما از این بی‌ثباتی سود برده است. این گروه از هرج و مرج کنونی برای گسترش دامنه نفوذ خود استفاده کرده و با قبایل سنی که در گذشته با آنها می‌جنگید، ائتلاف‌های جدید تشکیل داده است.

■ **داعش**

داعش، گروه تازه‌وارد این مجموعه از بازیگران است. این گروه از زمان شروع جنگ کنونی یمن حضورش را در این کشور اعلام کرده است. بمب‌گذاران انتحاری این گروه به مساجد زیدی در یمن و نیز مساجد شیعیان در عربستان حمله کرده‌اند. این ظاهرا تلاشی برای دامن زدن به خشونت‌های فرقه‌ای در منطقه است. داعش تاکنون فقط در مناطقی که از قبل از جنگ آسیب دیده و گرفتار هرج و مرج سیاسی بوده، تاخت و تاز داشته است.

■ **کدام آینده؟**

چیزی که یمن به آن نیاز دارد بمب‌گذاری‌های بیشتر نیست. بر خلاف داعش در عراق، حوثی‌ها عمیقا در جامعه یمن ریشه دارند یا دست‌کم بخشی از این جامعه هستند. بمب‌گذاری‌ها به احتمال زیاد به کشمکش دامن خواهد زد و حوثی‌ها را به ایران نزدیک‌تر خواهد کرد و این نتیجه‌ای متضاد با چیزی است که سعودی‌ها می‌خواهند. یک رویکرد ارجح این است که تهدید حوثی‌ها خنثی شود. آشتی و مصالحه در قالب تشکیل یک دولت فراگیر دشوار خواهد بود- زیرا بی‌اعتمادی زیادی وجود دارد و تلاش‌های تحت حمایت سازمان ملل پیشرفت چندانی نداشته است- اما تشکیل چنین دولتی هر چه بیشتر به عقب بیفتد، کار دشوارتر خواهد شد.

پایگاه اینترنتی انجمن فارین پالیسی

بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران ضرورت دارد

بیشالی شوارتز: در یک ماه اخیر شکاف مهمی در قلب مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای ایران ظاهر شده است. مساله این است که آیا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تاسیسات نظامی ایران هم دسترسی خواهد داشت. از یک طرف رهبر عالی ایران موضعی تند و قاطع اتخاذ کرده و در اظهاراتی که در تلویزیون دولتی ایران پخش شد، اعلام کرد اجازه هیچ بازرسی از تاسیسات نظامی یا مصاحبه با دانشمندان هسته‌ای داده نخواهد شد. این در حالی است که برخی اعضای ۱+۵ ظاهرا حاضر نیستند از این خواسته خود کوتاه بیایند به طوری که وزیر خارجه فرانسه به نمایندگان پارلمان کشورش گفته است پاریس قراردادی را که در آن مشخص نشده باشد بازرسی‌ها از همه تاسیسات ایران از جمله تاسیسات نظامی انجام خواهد گرفت، امضا نخواهد کرد. در یک نگاه، بی‌میلی ایران به صدور اجازه دسترسی به تاسیسات نظامی این کشور به بازرسان بین‌المللی به نظر منطقی می‌آید. اما سابقه، قانون و زبان توافقات منع گسترش همگی به نفع فرانسه است. هرگونه امتیازدهی یا کوتاه آمدن در این باره حتی اگر با برخی بازرسی‌ها با تایید کمیسیونی مشترک موافقت شود، نه فقط هرگونه توافقی را تضعیف می‌کند بلکه به معنای تخطی جدی از اصول کنترل هسته‌ای است که سال‌های سال برقرار بوده است. تا پیش از کشف برنامه هسته‌ای صدام در اوایل دهه ۱۹۹۰، ساختار قانونی اولیه برای بازرسی‌های هسته‌ای منحصر به سایت‌های هسته‌ای اعلام‌شده کشورها بود. شماری از کشورها از جمله ایران در سال ۱۹۷۴ توافقنامه جامع پادمان‌ها را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امضا کردند. در این توافقنامه مشخص شده است که ملزومات گزارش‌ها درباره برنامه هسته‌ای کشورهای امضاکننده چیست و دسترسی آژانس را به تاسیسات هسته‌ای این کشورها تضمین می‌کند اما حتی در آن سال‌ها نیز بازرسی‌های ویژه، دسترسی آژانس را به فراتر از تاسیسات هسته‌ای اعلام‌شده تضمین می‌کرد البته به شرطی که آژانس تشخیص می‌داد تهیه گزارش و بازرسی‌های عادی برای عمل آژانس به وظایفش کافی نبود. مهم‌تر از همه اینکه هرگز تاسیسات نظامی از این مساله معاف یا مستثنا نبوده است البته هیچ کشوری دوست ندارد بازرسان خارجی در پایگاه‌ها و تاسیسات نظامی‌اش فضولی کنند اما همه می‌دانند جامع بودن دسترسی بازرسان برای کل سیستم ضروری است. اگر قرار باشد مناطقی از بازرسی‌ها معاف باشد، در آن صورت هیچ تضمینی نیست که برنامه هسته‌ای کشورها صلح‌آمیز باشد. پس از کشف برنامه هسته‌ای سری عراق در زمان عملیات توفان صحرا، جامعه بین‌المللی اختیارات و توانایی آژانس را برای بازرسی از برنامه‌های سری افزایش داد. کشورها با امضای توافقنامه پروتکل الحاقی صراحتا متعهد شدند امکان دسترسی فوری آژانس را به هر مکانی که مشخص کند، فراهم کنند. آژانس می‌تواند در صورتی که کوچک‌ترین شبهه و سوالی برایش پیش آید، درخواست چنین دسترسی‌ای را بدهد و برای این منظور تفسیر آژانس کفایت می‌کند بنابراین تاسیسات نظامی به هیچ‌وجه استثنا نیست زیرا اگر چنین معافیت و استثنایی باشد، کل هدف بازرسی‌ها زیر سوال می‌رود. ایران در طول سال‌ها تحریم و مذاکرات، بارها از محدودیت‌هایی که علیه این کشور ایجاد شده انتقاد کرده و خواسته است همانند کشورهای دیگر با آن رفتار شود اما ایران با اصرار بر معافیت ویژه از فراهم کردن دسترسی آژانس به تاسیسات نظامی خود، عملا خواستار رفتار ویژه با خود است. این واقعیت که حتی ۱+۵ به فکر این باشد چنین بازرسی‌هایی را با تایید کمیسیون مشترکی از آژانس انجام دهد، خودش انحرافی قابل توجه و در عین حال خطرناک از رویه‌های قبلی است. منطق سیستم نظارت مبتنی بر این فرض است که شورای حکام آژانس مرجع نهایی برای تصمیم‌گیری درباره مکان بازرسی‌هاست و شورای امنیت به‌عنوان نهاد مجری و اعمال قانون برای آژانس عمل می‌کند. به بازی گرفتن این جزئیات عملا کل نظام حاکم بر آژانس را مختل خواهد کرد. با توجه به سابقه آژانس در دسترسی به اماکن مختلف برای بازرسی، زبان و مقصود از پروتکل الحاقی و همچنین در نظر گرفتن هدف کلی از روند هسته‌ای ایران، این مساله کاملا بدیهی است و اصرار بر آن کاملا طبیعی است بنابراین آمریکا باید در این باره از فرانسه تبعیت کند.

پایگاه اینترنتی لاوفربلاگ

عربستان سعودی به مبلغان دینی فشار آورده از بمباران یمن انتقاد نکنند

تیلور لاک: بسیاری از مبلغان دینی عربستان‌سعودی که از شبکه جهانی اینترنت برای تبلیغات خود استفاده می‌کنند، به دور از دایره کنترل دولت عربستان‌سعودی که مساجد و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای این کشور را بشدت کنترل می‌کند به انتقاد از سیاست‌های داخلی و خارجی عربستان‌سعودی مشغولند. از این‌رو دولت عربستان‌سعودی، با دستگیری بسیاری از این مبلغان دینی و مسدود کردن پایگاه‌های اینترنتی‌شان، تلاش دارد از انتقادهای آنان بویژه از عملیات بمباران یمن جلوگیری کند زیرا مقامات سعودی نسبت به انتقاد از جنگ یمن بسیار حساس هستند. حاکمان عربستان‌سعودی، علاوه بر آغاز جنگی آشکار در یمن، یک جنگ بی‌سر و صدا در داخل کشور خود علیه منتقدان به سیاست‌های دولت این کشور راه انداخته‌اند. نسل جدید مبلغان دینی در عربستان‌سعودی از طریق شبکه اینترنت و استفاده از پایگاه‌های اینترنتی- اجتماعی مانند فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب، به طور مستقیم و به دور از کنترل‌های دولتی، با پیروان چند میلیونی خود در ارتباط هستند. آنان از دولت ریاض و متحدان مستبد آن در سایر کشورهای عربی آشکارا انتقاد می‌کنند. اکنون در بحبوحه انتقادهای فزاینده آنلاین (برخط) از جنگ ریاض در یمن و همچنین انتقاد از خدمات ضعیف و ناکافی دولت عربستان‌سعودی در داخل این کشور، مقامات سعودی به سانسور، سرکوب، تهدید و بازداشت این مبلغان دینی رو آورده‌اند. مثلاً دولت عربستان اخیراً ۳ امام (مبلغ دینی) را در این کشور به علت انتقاد از سیاست‌های داخلی عربستان‌سعودی دستگیر کرده همچنین بقیه مبلغان را تهدید کرده است اگر از سیاست عربستان‌سعودی در قبال جنگ یمن، آشکارا حمایت نکنند، آنان را از تبلیغ در مساجد منع (ممنوع‌المنبر) خواهد کرد. یکی از مبلغان دینی که در شبکه اینترنت تبلیغ می‌کند و خواست نامش فاش نشود گفت: (مقامات سعودی) ما را تشویق می‌کنند از عملیات «عاصفة الحزم» (توفان قاطعیت) حمایت کنیم، اما این فشارها را تحت عنوان وطن‌دوستی (نه سرکوب منتقدان) برما وارد می‌کنند. در عین حال، سرکوب مخالفان، مبلغان اینترنتی و سایر ناراضیان در عربستان‌سعودی توسط حاکمان این کشور، با مساله عملیات بمباران یمن آغاز نشده و به آن نیز ختم نمی‌شود، بلکه این حرکتی به مراتب گسترده‌تر است، زیرا به زعم حاکمان سعودی هیچکس در این کشور حق ندارد به دولت عربستان‌سعودی یا کشورهای متحد آن، انتقاد کند. حتی یکی از مبلغان دینی که پایگاه اینترنتی‌اش ۱۲ میلیون پیرو دارد، به علت اینکه در پایگاه اینترنتی توئیتر از سرویس ناکارآمد قطارها میان مکه و چند شهر دیگر در عربستان‌سعودی انتقاد کرده بود، مدت ۴۰ روز زندانی شد. همین مبلغ دینی سال گذشته نیز به علت انتقاد از کودتای نظامی در مصر که دولتی را روی کار آورد (دولت سیسی) که از متحدان استوار عربستان‌سعودی است، بازداشت و زندانی شده بود.

کریستین ساینس مانیتور

ایران از عمل به تعهدات هسته‌ای خود جا مانده است

ISIS

«دیوید آلبرایت» و «سرنا کلر ورگانتینی»: ایران در فاصله ۲۰ ژانویه ۲۰۱۴ تا مه ۲۰۱۵ میلادی، حدود ۴ هزار کیلوگرم هگزافلورید اورانیوم کم‌غنی‌شده با خلوص ۳/۵ درصد تولید کرد. ایران براساس طرح مشترک اقدام متعهد شده است تمام هگزافلورید اورانیوم ۳/۵ درصد خود را به شکل اکسید درآورد. ایران تا مه ۲۰۱۵، در مجموع ۲۷۲۰ کیلوگرم اورانیوم کم‌غنی‌شده از این نوع خود را وارد فرآیند تبدیل در «واحد تولید پودر دی‌اکسید اورانیوم غنی‌شده» (EUPP) کرده و تنها ۱۵۰ کیلوگرم پودر اکسید اورانیوم کمی غنی شده تولید کرده است. این کشور از ماه نوامبر سال ۲۰۱۴ تاکنون، اصلاً هگزافلورید اورانیوم کم‌غنی‌شده را به واحد (تبدیل) نفرستاده است بنابراین ایران به وعده خود برای تبدیل هگزافلورید اورانیوم تازه‌تولیدشده به اکسید، عمل نکرده است. درباره اینکه آیا ایران قادر است همه اکسید اورانیوم کم‌غنی‌شده لازم را تولید کند، تردیدهای بجایی وجود دارد.

از بدو اجرای طرح مشترک اقدام در ژانویه ۲۰۱۴، ایران حدود ۴ هزار کیلوگرم هگزافلورید اورانیوم کم‌غنی‌شده با خلوص ۳/۵ درصد تولید کرده است. طبق شروط طرح مشترک اقدام، ایران باید این اورانیوم با غنای پایین را که به تازگی تولید شده است تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۵ به اکسید تبدیل کند. براساس گزارش پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه مه سال ۲۰۱۵ میلادی، ایران از زمان آغاز تولید اورانیوم کم‌غنی‌شده تاکنون ۱۴۹۳۷ کیلوگرم اورانیوم با خلوص ۳/۵ درصد تولید کرده است که بیش از یک‌چهارم آن هنگام اجرای طرح مشترک اقدام، تولید شده است.

واحد تولید پودر دی‌اکسید اورانیوم غنی‌شده نیز تا ۲۳ مه ۲۰۱۵، حدود ۱۵۱ کیلوگرم دی‌اکسید اورانیوم غنی‌شده با خلوص ۳/۵ درصد (جرم اورانیوم) یا معادل ۲۲۵ کیلوگرم هگزافلورید اورانیوم تولید کرده که این تنها ۵ درصد رقم مورد انتظار است. ایران در مجموع، ۲۷۲۰ کیلوگرم هگزافلورید اورانیوم با خلوص ۳/۵ درصد به واحد تولید پودر اکسید اورانیوم فرستاده است اما از ماه نوامبر ۲۰۱۴ تاکنون، هگزافلورید اورانیوم کم‌غنی‌شده به واحد تبدیل نفرستاده است. ایران برای عمل به تعهد خود براساس طرح مشترک اقدام باید تا اواخر ماه ژوئن، تبدیل ۲۷۲۰ کیلوگرم اورانیوم کم‌غنی‌شده به اکسید را به پایان برساند؛ ایران همچنین باید ۱۱۰۶ کیلوگرم هگزافلورید اورانیوم ۳/۵ درصد را که در چند ماه اخیر تولید شده (به علاوه ۱۰۰ کیلوگرم اورانیوم کم‌غنی‌شده که قرار است اواخر ماه مه و ژوئن سال ۲۰۱۵ میلادی تولید شود) به واحد تولید پودر اکسید فرستاده و آن را به اکسید تبدیل کند. بنابراین روشن است ایران از عمل به تعهدات خود براساس طرح مشترک اقدام، عقب افتاده است.

براساس تازه‌ترین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران تازه روند فرآوری اورانیوم کم‌غنی‌شده با خلوص ۳/۵ درصد (و تبدیل آن) به اکسید را آغاز کرده است. علت تأخیر در تولید دی‌اکسید اورانیوم هنوز معلوم نیست. ایرانی‌ها در مذاکرات، غرب را مقصر دانستند و اعلام کردند دریچه‌ها در قسمت انتهایی واحد که به تبدیل آمونیوم دی اورانات به دی‌اکسید اورانیوم اختصاص دارد، به علت خرابکاری آسیب دیده است. زمانی که پرسیده شد چه کسی ممکن است به خرابکاری در واحد تبدیل اورانیوم کم‌غنی‌شده علاقه داشته باشد، ایرانی‌ها پاسخ دادند این دریچه‌ها برای کارخانه ناشناخته دیگری تولید شده بود اما آیا ادعای ایران صحت دارد؟ روشن است که ایران ناچار شده از خارج و اغلب به شکل غیرقانونی، دریچه‌های زیادی خریداری کند. افزون بر این، شکی نیست برخی کالاهای تهیه‌شده از راه غیرقانونی را فروشندگان دستکاری کرده‌اند که این کار هنگام مواجه شدن با باندهای قاچاق کالا یا در اینجا قاچاقچیان ایرانی یا افراد استخدام‌شده از سوی ایران برای قاچاق کالاهای دارای کاربرد دوگانه، قانونی است بنابراین امکان خرابکاری وجود دارد. از سوی دیگر، خرابکاری در کالاها چندان رایج نبوده و عملاً نیز ساده نیست. ممکن است ایران برای توجیه ضعف خود در عمل به تعهدات (مندرج در) طرح مشترک اقدام، مساله خرابکاری را بیش از حد بزرگ جلوه داده باشد.

برنامه هسته‌ای ایران با تأخیرها و مشکلات فنی بسیاری روبه‌رو بوده است. اخیرا نیز ایران تنها توانست بخشی از اورانیوم کم‌غنی‌شده خود با خلوص نزدیک به ۲۰ درصد را به سوخت برای رآکتور تحقیقاتی تهران تبدیل کند که این مساله مشکلات مضاعفی را برای مذاکرات ایجاد کرد. بنابراین به طور کلی نمی‌توانیم مشخص کنیم که آیا خرابکاری رخ داده است یا نه اما توصیه می‌کنیم در پذیرش این موضوع با احتیاط برخورد شود. ماجرا ممکن است تنها بهانه‌ای برای سرپوش گذاشتن بر نقص فنی دیگری باشد که اقرار به آن، ایران را شرمسار می‌کند البته هنوز روشن نیست اینگونه ضعف در عمل به تعهدات، در بلندمدت روی مذاکرات و همچنین اجرای توافق جامع، چه آثاری خواهد داشت.

ایران در چارچوب توافقی که ماه آوریل با مذاکره حاصل شد، موافقت کرد ذخایر اورانیوم کم‌غنی‌شده با خلوص ۳/۵ درصد خود را به ۳۰۰ کیلوگرم کاهش دهد اما آیا مشکلات در واحد تولید پودر دی‌اکسید اورانیوم، تحقق این هدف را دشوار خواهد کرد؟ آیا بخش‌های تبدیل‌شده اورانیوم با غنای پایین به خارج از ایران فرستاده خواهد شد، خلوص آن تا حد اورانیوم طبیعی پایین آورده می‌شود یا اینکه در ایران باقی می‌ماند تا بعدا به آن رسیدگی شود؟ این مسائل، خطر ناشی از تکیه بر راهکارهای فنی را نشان می‌دهد که ایران تاکنون اهتمام خود را به آنها نشان نداده است.

پایگاه اینترنتی مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل

هسته اصلی داعش در اردوگاه آمریکایی در عراق

Daily Mail

الکساندر کلاستر: یک اردوگاه آمریکایی زندانیان افراطی در عراق، زمینه شکل‌گیری داعش را فراهم کرد. یک اردوگاه آمریکایی زندانیان افراطی در عراق هسته مرکزی گروه داعش را به وجود آورده است، زیرا تندروها در این مکان اسکان داده شده و آزادانه در حال طراحی و بررسی اقداماتی علیه منافع آمریکا بودند. براساس گزارش‌ها در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹، بیش از صد هزار نفر به اردوگاه «بوکا» وارد و از آن خارج شدند که بسیاری از آنها هم با گرایش‌های افراطی‌تری از این اردوگاه بیرون آمدند. در طول این سال‌ها بود که نطفه اصلی تشکیل داعش شکل گرفت و رهبری اولیه آن به وجود آمد. در همین جا بود که نیروهای وابسته به القاعده توانستند با اعضای رژیم سابق صدام، ارتباط برقرار کرده و با آنها ائتلاف کنند. این اردوگاه در میان افرادی با دیدگاه‌های فرقه‌گرایانه و شبه‌نظامیانی که به دنبال اجرای قانون شریعت مد نظر خود بودند، تقسیم شده بود و توانست این قوانین را به افرادی که در آنجا بودند تلقین کند. افرادی که بعدها به گروه داعش پیوستند. یکی از کسانی که در اردوگاه بوکا بود، «ابوبکر البغدادی» بود که در حال حاضر، رئیس گروه داعش است. او تا زمان آزادی‌اش در سال ۲۰۰۹، چندین سال در این اردوگاه به سر می‌برد. «میچل گری» زندانبان سابق این اردوگاه به «نیویورک‌پست» می‌گوید بازداشت‌شدگان از او بشدت نفرت داشتند. گری که در حال اخذ مدرک حقوق است و به زبان عربی نیز تسلط دارد، به‌عنوان عضو یگان چهل و پنجم گارد ملی اوکلاهاما وارد کویت شده بود. گری می‌گوید مدت کوتاهی بعد از اینکه حدود ۲۶ هزار نفر از اولین بازداشت‌شدگان به این اردوگاه رسیدند، او هم وارد این بازداشتگاه شد. گری با یادآوری بخش‌هایی از سفر خود در سال ۲۰۰۸ به این اردوگاه می‌گوید: «شما هرگز نمی‌توانید خشم و کینه‌ای را که در چشم این بازداشت‌شدگان بود، در چهره آمریکایی‌ها ببینید». وی در ادامه افزود: «وقتی من می‌گویم آنها از ما نفرت داشتند، منظورم این است که آنها طوری به ما نگاه می‌کردند که احساس می‌کردیم اگر برای آنها یک فرصت کوچک هم به دست آید، ما را خواهند کشت. من به افسر ارشد خودم این مساله را هشدار دادم و گفتم اگر آنها می‌توانستند، سر ما را می‌بریدند و خون ما را سر می‌کشیدند». این اردوگاه که بعدها به نام «رونالد بوکا» تغییر نام داد، ممکن است در ابتدا با انگیزه‌های خوبی آغاز به کار کرده باشد اما در نهایت منجر به تشدید تنفر تندروها از آمریکا شد. «آندرو تامسون» و «جرمی سوری» سال گذشته در سرمقاله‌ای برای «نیویورک‌تایمز» نوشتند آمریکا با برپایی زندان بوکا، خطای جبران‌ناپذیری انجام داد. در این مطلب آمده بود: «البغدادی و دیگر افراد زندانی، پیش از آنکه بازداشت شوند افراطی‌های خشونت‌طلبی بودند که هدفشان حمله به آمریکایی‌ها بود. زمانی که آنها در زندان بوکا به سر می‌بردند، افراطی‌گری آنها عمیق شد و این فرصت را به وجود آورد که ایده‌های خود را دنبال کنند. به‌عنوان مثال در زندان بوکا، اشخاص برجسته افراطی در کنار افرادی نگاه داشته می‌شدند که برخی از آنها یا جرائم سبک‌تری داشتند یا اصلا بیگناه بودند. در اینجا بود که زمینه سربازگیری برای داعش از میان زندانیان فراهم شد». شاید تا همین اواخر در آمریکا کسی از اردوگاه بوکا چیزی نشنیده بود. شاید بیشتر توجه رسانه‌ها به زندان ابوغریب بود که به دلیل تجاوز به زندانیان در مرکز توجه قرار گرفت. بوکا پیش از این هیچ رسوایی نداشت. حالا ۶ سال بعد از اینکه بوکا به خوبی و خوشی بسته شده است، این اردوگاه به‌عنوان بخشی ناشناخته از تحولات بعد از جنگ عراق مطرح می‌شود. روزنامه نیویورک‌پست گزارش می‌دهد معضلات مربوط به اردوگاه بوکا اندکی بعد از حمله آمریکا به عراق مشخص شد. در میانه آشوب و بحران در عراق، نیروهای ائتلاف نمی‌توانستند دوست را از دشمن تشخیص دهند و به همین دلیل تعداد زیادی از افراد را بدون دقت لازم به این اردوگاه فرستادند. یک نکته قابل توجه این بود که آمریکایی‌ها می‌دانستند در عراق ۲ شاخه از اسلام یعنی شیعه و سنی وجود دارد و آنها نباید در زندان‌ها، پیروان این ۲ گروه را کنار هم قرار دهند و این کار را هم کردند و شیعیان و سنی‌ها را جدا کردند اما آنها نمی‌دانستند اگر صلح می‌خواهند، نباید سنی‌ها و تندروها را هم در یک مکان در کنار یکدیگر قرار دهند. سنی‌های تندرو خواستار پیاده کردن قوانین شریعت مورد نظر خود هستند و از سنی‌های میانه‌رو بسیار افراطی‌تر هستند. افراطی‌ها همان سنی‌هایی را که از قوانین شریعت آنها تبعیت نمی‌کنند، شکنجه می‌دهند.

پایگاه اینترنتی دیلی‌میل

آگهی مزایده اجاره کارخانه بتن آماده شهرداری «نوبت سوم»

شهرداری پیرانشهر

چاپ دوم

شماره: ۲۷۰۸
تاریخ: ۹۴/۰۳/۰۹

شهرداری پیرانشهر به استناد بودجه مصوب عمرانی سال ۹۴ و مصوبه شماره ۳۷ مورخه ۹۳\۱۲\۲۰ شورای محترم اسلامی شهر وتاییدیه شماره ۲۲۸\۴ مورخه ۹۴\۱\۱۱ در نظر دارد عوایدات کارخانه بتن آماده را از طریق مزایده بصورت اجاره یکساله به اشخاص واجد شرایط با رعایت موارد ذیل واگذار نماید.

۱-موضوع مزایده:
عبارتست از اجاره مجموعه کارخانه بتن آماده در زمینی به مساحت ۹۰۰۰ مترمربع با تجهیزاتی از قبیل دو سیلوی سیمانی با ظرفیت ۲۵۰تن، دو دستگاه میکسر بدون خودرو، پمپ شوئینگ دیزل زمینی بدون خودرو با ۶۰ متر لوله ۵ اینجی و دیگر تجهیزات.

۲-قیمت پایه:
پایه اجاره ماهیانه به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ریال مطابق نظریه کارشناس رسمی دادگستری می باشد.

۳-تامین و پرداخت کلیه هزینه های لازم از قبیل هزینه آب و برق و تهیه مصالح شن و ماسه و سیمان و غیره و تعمیر ونگهداری نیز تامین نیروی انسانی و بیمه آنها بر عهده مستاجر می باشد.

۴-بیمه مجموعه کارخانه بتن آماده و تاسیسات و محوله کارخانه و نیز کلیه کسورات قانونی بر عهده مستاجر می باشد.

۵-پیشنهاد دهندگان بایستی مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰۰ریال بعنوان سپرده شرکت در مزایده به حساب ۱۲۱۳۴۳۹۲۳۷۹۵۲۰۰۳ سپرده شهرداری نزد بانک انصارواریز و فیش مربوطه را ضمیمه پیشنهاد خود نمایند. به پیشنهادات فاقد فیش سپرده، مخدوش، مشروط و مبهم ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۶-چنانچه کارخانه در طول مدت قرارداد به غیر از سه ماه چهارم(پاییز و زمستان) که تعطیل و جزو مدت اجاره نمی باشد. به هر دلیل تعطیلی و یا از ادامه کار بازمانده منع شود. شهرداری از بابت ایام تعطیلی هیچگونه وجهی را بعنوان غرامت پرداخت نخواهد کرد. ضمناً پس از اعلام برنده مزایده یک ماه ۱۵ روزه فرجه زمانی جهت راه اندازی و شروع بکار پیمانکار منظور خواهد شد.(جهت تجهیز کارخانه و نصب دستگاههای برروی کامیونها)

۷- مستاجر تحت هیچ شرایطی در طول مدت قرارداد حق انتقال مورد اجاره را به هیچ یک از صدور قانونی و حقوقی از قبیل وکالت، شرکت و نمایندگی و غیره جزئاً و یا کلاً به غیر نداشته در صورت مشاهده قرارداد فسخ و مستاجر به پرداخت خسارات ملزم خواهد شد.

۸- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد.

۹- کارخانه به همان شرایط زمان تحویل پس از اتمام قرارداد از مستاجر تحویل خواهد شد.

۱۰-پیشنهاد دهندگان برای کسب اطلاعات بیشتر مزایده می توانند همه روزه در طول مدت آگهی به دایره عمران شهرداری مراجعه و از جزئیات آن اطلاع حاصل نمایند.

۱۱- داوطلبان می توانند پیشنهادات خود را از تاریخ ۹۴\۳\۱۰ تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخه ۹۴\۳\۲۴ به واحد حراست شهرداری تسلیم و رسید دریافت نمایند.

۱۲-کلیه پیشنهادات رسیده راس ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخه ۹۴\۳\۲۵ با حضور اعضاء کمیسیون معاملات بازگشت به نامه شماره و قرائت خواهد شد. حضور شرکت کنندگان آزاد است.

۱۳-سپرده برندگان اول تا سوم در صورت انصراف از انعقاد قرارداد به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۱۴- کلیه هزینه های نشر و پخش آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد.

۱۵- حداقل تعداد پیشنهاد دهندگان برای مزایده عمومی نوبت اول جهت رسیدگی ۳ پیشنهاد می باشد.

فاتح- شهردار پیرانشهر

۱۲۶۶

متن تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب همپای صاعقه

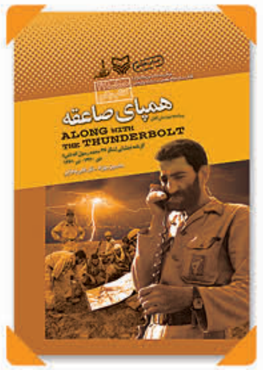

این یک کتاب منبع بسیار غنی و ارزشمند است که از آن می توان ده ها کتاب و فیلم نامه و زندگی نامه استخراج کرد. لحظات و حالات ثبت شده در سراسر این کتاب، همان ظرافت های حیرت انگیزی است که از مجموع آن، تابلوی پرشکوه و با عظمت عملیاتی چون فتح المبین و بیت المقدس پدید آمده و برترین های هنر جهاد و ایثار و شجاعت و ابتکار را در مجموعه نمایشگاه بی نظیر هنرهای انقلاب اسلامی نشان می دهد. این مردان بزرگی که نام آ نها بسی آسان بر زبان و دل غافل ما می گذرد، از جنس همان اخوان صفا و فرسان هیجان اند که سید شهیدان، سلام ا لله علیه، آ نها را با عظمت و سوز و مهر، مخاطب ساخت و از فقدان آنان غمگین بود. سلام خدا و بندگان برگزیده و فرشتگان و رسولان او نثار روح مطهر آنان باد! در روز و شب هایی از آبان و آذر ۸۶ صفحه به صفحه و سطر به سطر مطالعه و نیوشیده شد.

متن تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب مدال و مرخصی

مدال و مرخصی

این یکی از زیبا ترین و قوی ترین یادداشت های جنگ است. متن و ترجمه هر دو قوی است. این سند مکمل سندهایی است که از نوک قلم بسیجیان روشن دل و با صفا و مظلوم و شجاع ما به یادگار مانده است.

۱۹آذر ۱۳۷۰

تهران/ خیابان حافظ/ خیابان رشت/ پلاک ۲۳
روابط عمومی انتشارات سوره مهر
صندوق پستی: ۱۱۴۴-۱۵۸۱۵
تلفن: ۱۵-۶۶۴۷۷۰۱۴-۰۲۱
فکس: ۰۲۱-۶۶۴۰۴۶۶۳

سوره مهر
ناشر آثار اندیشه و هنر انقلاب اسلامی

بیست و هشتمین نمایشگاه بین المللی کتاب
مصلی بزرگ امام خمینی (ره) شبستان اصلی
انتهای راهرو ۲۷
۱۶ الی ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

WWW.SOOREMEHR.IR

آب خوردن از کوزه کدخدا

نگاه ادامه از صفحه اول

در غیر این صورت اگر اقتصاد داخل ضعیف باشد، تعامل با اقتصاد جهانی بیش از آنکه به کمک شرایط داخل بیاید، باعث وابستگی بیشتر می‌شود، زیرا در دنیای کنونی هیچ کشوری برای دیگری دلسوزی نخواهد کرد و از خودگذشتگی در اقتصاد جهانی فعلی هیچ جایگاهی ندارد.

از سوی دیگر مساله همبستگی اجتماعی، همدلی و همزبانی میان ملت و دولت یک جامعه از عوامل مهم برقراری اقتدار درون‌زاست. اهمیت این مساله را می‌توان در اقدامات کشورهای متخاصم برای ایجاد اختلاف میان مردم و مسؤولان و القای حس بی‌اعتمادی و ناامیدی در جامعه دید. آشوب‌های برنامه‌ریزی‌شده پس از انتخابات ۱۳۸۸ نمونه بارزی از دخالت بیگانگان در از بین بردن همبستگی اجتماعی مردم ایران عزیز بود که دشمنان را برای انجام تحریم‌ها و ایجاد فشار بیشتر ترغیب کرد. نامگذاری امسال نشانی از اهمیت این مساله دارد و مسؤولان و مردم باید به سمتی حرکت کنند که بتوان از این عنصر به نحو احسن برای افزایش اقتدار درونی ایران اسلامی استفاده کرد.

پنجم: در ماجرای اقتدار درون‌زا مؤلفه‌های مختلفی دخیل هستند. از عوامل مادی گرفته تا عوامل معنوی که بسیار اثرگذار هستند و هرکدام اهمیت خاصی دارند که خود یک بحث مفصل را می‌طلبد اما به‌طورکلی باید دانست کشورهای متخاصم و بیگانه سعی می‌کنند با اختلال در سیستم محاسباتی مسؤولان کشورهای مستقل، اهمیت اقتدار درون‌زا را کم جلوه داده و توجه آنها را به سمت بیرون از مرزها منحرف کنند. لیکن باید توجه داشت اقتدار برون‌زا بسیار وابسته به قدرت درونی هر کشور است. اگر یک کشور از ظرفیت‌های درونی خود به نحو احسن استفاده نکند و به مساله اقتدار درون‌زا اهمیت ندهد، نمی‌تواند از تمام ظرفیت‌هایی که در خارج از مرزها قرار گرفته است آن‌طور که می‌خواهد بهره ببرد و همیشه باید چشم‌انتظار التفات و توجه کدخدا باشد. همان خطری که مقام معظم رهبری بارها به آن گوشزد کرده‌اند: «من آن روز اینجا به مجموعه دست‌اندرکاران، مجریان و کارگزاران کشور گفتم، هدف اساسی دشمن این است که در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد بکند. دستگاه محاسباتی وقتی دچار اختلال شد، از داده‌های درست، خروجی‌های غلط به‌دست خواهد آورد یعنی تجربه‌ها هم دیگر به درد او نخواهد خورد. وقتی دستگاه محاسباتی خوب کار نکرد، درست کار نکرد و محاسبه درست انجام نگرفت، تجربه‌ها هم دیگر به کار نمی‌آید». (۹۳/۵/۱)

در پایان با توجه به سخنان برخی مسؤولان کشور و تأکید چندباره آنها در باب اینکه باید تحریم‌ها برداشته شود تا تمام مشکلات کشور برطرف شود(!) این پرسش مطرح می‌شود که آیا دستگاه محاسباتی این مسؤولان دچار اختلال شده است و از ورودی‌های صحیحی که در جامعه وجود دارد به نتایج غلط دست پیدا می‌کنند؟! آیا وقت آن نرسیده است که این افراد در اجزای دستگاه محاسباتی خود تجدیدنظر کنند؟!

بنیاد خیریه غدیر در نظر دارد با انجام امور خیریه و پرداخت قرض الحسنه به تعظیم شعائر غدیر و نشر اندیشه و فرهنگ ولایت بپردازد.
تبرعات مؤمنین برای همیشه در خدمت اینگونه امور ارزشمند باقی خواهد ماند چرا که تنها به صورت وام در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی قرار میگیرد.
با کمک به بنیاد خیریه غدیر اموال خود را در نشر فرهنگ ولایت و غدیر جاودان کنید.

اعضاء هیأت امناء
- حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابوترابی فرد
- حجت الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی
- حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی میرلوحی
- حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن رحیمیان
- سید مرتضی نبوی
- حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان
- رضا مطلبی کاشانی

سامانه ارتباط پیامکی: ۱۰۰۰۰۰۱۸
نشانی تارنما: GHADEER.IR
تلفن: ۸۸۹۹۱۸۰۳ نمابر: ۸۸۹۹۱۸۰۲
شماره حساب: ۰۱۰۴۱۷۰۴۱۷۰۰۷
شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۱۹۹۵۳۹۲۰۰

شماره ثبت ۳۲۶۸٤
شناسه ملی ۱۰۲۲۹۰۳۲۶۹۷

با هبه اموال خود برای پرداخت قرض الحسنه‌تا ابد از ثواب این صدقه جاریه بهره مند شوید.

*۷۲۰*۶*۵#
۳۰۰۰۱۰۱۰۴۰
اولین خیریه سایبری
مسأله محور در ایران
خیریه همت
www.Hemmat110.com

مردم می‌دانند

یادداشت امروز ادامه از صفحه اول

کم کردن امتیازهای واگذار شده – ولو به میزان یک واحد – باشد، می‌بینیم که نوعی پوپولیسم حیرت‌انگیز در دستور کار دولت قرار گرفته است که هدف آن تحمیل یک توافق بد به جامعه و بی‌اثر کردن هشدارهایی است که نسبت به آن داده می‌شود. پس از لوزان، فرصتی برای جامعه ایرانی ایجاد شد تا از ورای دیوار بلند داغ و درفشی که دولت بر سر راه فهم عمومی از مذاکرات هسته‌ای ایجاد کرده بود، به پس پشت قضیه بنگرد و میزان نفع و ضرر آن را ارزیابی کند.

در همین مدت کوتاه، چند نتیجه‌گیری اساسی نزد طیف‌های وسیعی از افکار عمومی شکل گرفته است که ثابت می‌کند توافق خوب هسته‌ای نه ممکن است و نه اساسا در دستور کار دولت قرار دارد!

یکم- افکار عمومی بیش و کم دریافته است که لغو تحریم، نه آنچنان که دوستان مذاکره‌کننده وعده می‌دهند و نه حتی با فرسنگ‌ها فاصله نسبت به آن، در توافقی که آقایان در پی نهایی کردن آن هستند رخ نخواهد داد. همه آنچه در اینجا وجود دارد – تازه اگر چیزی وجود داشته باشد- تعلیق مشروط، مبهم، اندک و بشدت بازگشت‌پذیر بخش کوچکی از تحریم‌هاست. اگر تمام تحریم‌ها هم به طور یکجا و یکپارچه لغو می‌شد، باز هم نمی‌توانست حتی بخش کوچکی از مشکلات اقتصادی کشور را که عمدتا ریشه در ناکارآمدی مدیریتی دستگاه‌های اجرایی دارد رفع کند، چه رسد به اینکه حتی رایحه‌ای از این موضوع هم به مشام نمی‌رسد.

دوم- افکار عمومی اکنون در این باره کاملا روشن شده است که رژیم دسترسی و بازرسی توافق شده در چارچوب لوزان یک رژیم بازرسی ویژه است که هدف از آن به چالش کشیدن جدی و بنیادین امنیت ملی کشور است نه نظارت بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران و عاقبت چنین بازرسی‌ها و دسترسی‌هایی هم فرو رفتن کشور در کام بحرانی بس بزرگ‌تر – مانند جنگ خواهد بود- نه حل و فصل مشکلات یا طرف‌هایی که اساسا حیاتشان در مشکل‌آفرینی برای کشوری مانند ایران است.

سوم- افکار عمومی ایران اکنون نشانه‌های قاطعی در دست دارد که ایران پس از یک توافق بد وارد یک مسیر بازگشت‌ناپذیر و بی‌انتها از «تحمیل پی‌درپی توافق‌های بد در سایر حوزه‌های امنیت ملی» خواهد شد. توافق هسته‌ای چنانکه آمریکایی‌ها به صراحت گفته‌اند آنها را شگفت‌زده کرده لذا می‌خواهند آن را بدل به توافقی برای همیشه کنند. این بدان معناست که نه فقط در حوزه هسته‌ای، ایران تبدیل به یک استثنا در جامعه بین‌المللی خواهد شد- که حقوقش کمتر از دیگران و تکالیفش بیش از آنهاست- بلکه غرب به مدلی دست خواهد یافت که همین معامله را با دیگر برنامه‌های امنیت ملی ایران انجام دهد. دقیقا به همین دلیل است که آمریکایی‌ها از همین حالا زمزمه ایجاد دوقطبی اقتصاد-ژئوپلیتیک را آغاز کرده‌اند و اوباما می‌گوید وقت آن رسیده است که ایران دریابد معیشت مردمانش در گرو پایان دادن به جنگ‌های نیابتی در منطقه است!

چهارم- و در نهایت، افکار عمومی جامعه ایرانی اکنون به خوبی می‌داند که در توافق هسته‌ای احتمالی، مفهوم تحقیق و توسعه به معنای رشد دانش هسته‌ای در ایران هم ضربه جدی خواهد خورد و نه صنعت، بلکه دانش هسته‌ای هم تا آستانه تعطیلی محدود خواهد شد.

کاری که اکنون همکاران آقای روحانی باید انجام دهند گشتن و پیدا کردن اعمال حیاتی آدمیان و گره زدن آنها به توافق هسته‌ای نیست، بلکه کار آنها این است که در این ۴ مورد جلوی نهایی شدن توافق بدی که در لوزان پایه‌های آن را استوار کرده‌اند، بگیرند. ما درباره چند ماه و چند سال آینده صحبت نمی‌کنیم. بحث بر سر اتفاقی است که تا ۳ هفته دیگر رخ خواهد داد. ۲ سال است تقریبا همه امور کلیدی کشور به مذاکرات هسته‌ای گره خورده است. اکنون زمان آن است که دولت یک بار برای همیشه روشن کند که می‌تواند به یک توافق خوب برسد یا نه؟ همه بحث‌های دیگر به کنار، می‌تواند تحریم‌ها را بردارد یا خیر؟ پارامترهای یک توافق خوب نه قابل جابه‌جایی است، نه قابل تحریف و نه با عملیات روانی تغییر خواهد کرد. مردم ایران همانقدر که آماده استقبال شادمانه از یک توافق خوبند، با قدرت به توافق بد –ولو امضا شده باشد- نه خواهند گفت. هیچ‌کس فراموش نکرده است که تیم مذاکره‌کننده روز نخست با چه هدفی به این ماموریت فرستاده شد. آنچه از سوی مردم، از آقایان خواسته شده بود این بود که تحریم‌ها را بردارند. حالا می‌بینیم که این هدف‌گذاری به تدریج در طول مسیر تحریف شده و به «استثناسازی رسمی ایران از نرم‌های بین‌المللی» و «استقرار رژیم بازرسی ویژه در ایران در عین حفظ زیرساخت تحریم‌ها» و «تعطیلی همیشگی غنی‌سازی صنعتی در ایران» تبدیل شده است. پس از ۲ سال دوستان عزیز ما ـ حتی اگر نخواهند ـ مجبور خواهند بود با مردم صادق باشند.

#تحریمیم ـ می‌فهمی؟!

تاکسی امروز ادامه از صفحه اول

این را که گفت، خانم جوان برگشت نگاهی کرد و گفت: «هیچ هم اینطور نیست، آمار تصادف‌ها نشون داده همش مردا هستند که تصادف می‌کنند. اصلا تا حالا شنیدید راننده خودرویی زن باشه و تصادفش جرح و فوت داشته باشه؟!»

راننده حرفش را تایید کرد و گفت: «راس میگه. وجدانا من اگه نشنیده باشم، کم شنیدم. چرا تصادف می‌کنن طوری که پدر ماشین درمیاد، اما یا در و دیوار نه جرحی و فوتی!»

خانم جوان تایید کرد که خب! اساسا رانندگی کاری مردانه است اما از اینکه دقت خانم‌ها در رانندگی بیشتر است کوتاه نمی‌آمد. حتی چند تا فحش و بد و بیراه مجاز هم نثار عربستان کرد که چرا به خانم‌ها اجازه رانندگی نمی‌دهند!

این بحث تمام شد. راننده موقعی که دو دانشجو داشتند پیاده می‌شدند به آنها گفت: «راستی جکت خیلی باحال بود». منظورش همین «تحریمیم می‌فهمی؟!» بود. گوشی خود را درآوردم ببینم دیگر چه ابتکارهایی برای موضوع ربط دادن آب خوردن مردم به تحریم زده‌اند در این گروه‌های تلگرام و اینستاگرام و بقیه. دیدم یکی پست گذاشته و تصویری از مقام مسوول را در کنار نقشه هواشناسی ایران با فوتوشاپ درست کرده و بالایش نوشته: «همانطور که می‌بینید هرچقدر به ۱۰ تیر نزدیک می‌شیم، ابرها به آسمان ایران نزدیک‌تر می‌شوند». من گوشی را نگاه می‌کردم و برای اینکه نمی‌توانستم بلند بخندم، لبخند می‌زدم، راننده که از آینه عقب را نگاه می‌کرد، گفت: «چیه می‌خندی؟ بگو ماهم بخندیم» من هم به ناچار نشستم و هرچه لطیفه در این گروه‌ها بود خواندم و راننده خندید. خدا قبول کند. می‌گویند شاد کردن مردم عبادت است.

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲